تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰
(صص۱۴۷-۱۵۴)

کتیبه‌ها و دستنویس‌هایِ برساختهٔ ارّانی در هویّت‌یابی نوین درون‌قفقازی•

هایک هاکوبیان *

کارن هُوانیسیان **

چکیده

بخش عمدهٔ کشورهای جمهوری آذربایجان و جمهوری داغستان (در فدراسیون روسیه) در ادوار گوناگون تاریخی در سرزمین باستانی ارّان (ارمنی: آغوانک) قرار داشته‌است. بنابراین تصادفی نیست که در عصر حاضر، برخی از اقوام قفقازی با جعل و انتشار کتیبه‌ها و دستنویس‌های ارّانی برآنند که خود را به‌عنوان وارثان این سرزمین جلوه دهند. نگارندگان در این مقاله به بررسی برخی از این آثار مجعول در چارچوب هویّت درون قفقازی پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: ارّان (آغوانک)، سنگ‌نوشته‌ها و دستنویس‌های جعلی، لزگی‌ها، روتول‌ها، جمهوری آذربایجان

• این مقاله با حمایت مالی کمیتهٔ علوم جمهوری ارمنستان در چارچوب پروژهٔ شمارهٔ 21AG-6A079 تألیف شده‌است.

* دانشگاه روسی– ارمنی (اسلاونی)، ایروان/ پژوهشکدهٔ قوم‌نگاری و باستان‌شناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان، ایروان/ پژوهشکدهٔ نسخه‌های خطّی مِسروپ ماشتوتس (ماتِناداران)، ایروان

hakobyan.hayk@rau.am

** پژوهشکدهٔ قوم‌نگاری و باستان‌شناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان، ایروان

karenhovhov@mail.ru

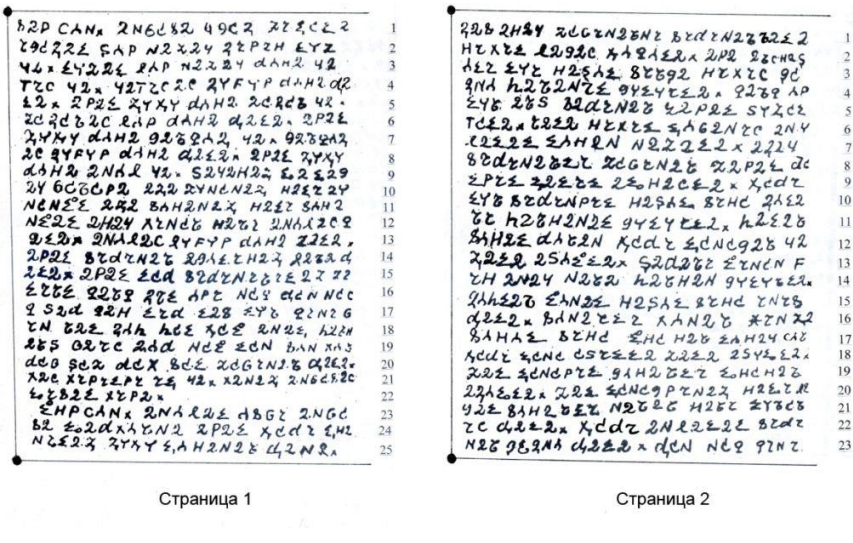
۱- مقدّمه

بخش عمدهٔ جمهوری آذربایجان و سرزمین داغستان کنونی در ادوار گوناگون تاریخی در یکی از ایالت‌های باستانی قفقاز به نام **اوّان** (ارمنی: Ałvankʿ) قرار داشته‌است. اوّان پس از ارمنستان، دومین کشوری بوده‌است که مسیحیت را به‌عنوان دین رسمی پذیرفته (Jost Gippert/ Jasmine Dum-Tragut 2023: 288) و اقوام قفقاز نیز همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از پازل هویّت جمعی سرزمین اوّان بوده‌اند (Gippert et al. 2009: I-II/1-84). امّا به دلایلی از جمله کمبود پژوهش‌های تاریخی دربارهٔ سرزمین اوّان و اقوام مسیحی داغستان، و نیز نامشخّص بودن مرزهای جغرافیایی اوّان از منظر علمی، اوّان نه تنها برای شکل‌دهی هویّت جمهوری آذربایجان، بلکه برای تکوین هویّت لزگی‌ها، روتول‌ها و دیگر اقوام منطقهٔ قفقاز نیز به **مصالح** مطلوبی بدل شده‌است (Абдурагимов 1995: 11).

در میان این روایت‌ها اغلب با پدیده‌ای مواجه هستیم که می‌توان آن را **تصاحب غیرمستقیم گذشته** نامید؛ یعنی زمانی که حقّ فرهنگی اقوام دیگر – در این مورد خاص، فرهنگ ملّت ارمنی – برای بازخوانی تاریخ بر اساس اسناد و شواهد کهن یا نویافته از آنها سلب می‌شود. روند بیگانه‌سازی و سلب نمادهای فرهنگی، به‌ویژه در مورد کلیساها و سنگ‌مزارها از طریق بازتفسیر و انتساب ثانوی بسیاری از این بناها صورت می‌گیرد؛ زیرا این **راویان گذشته** نه تنها شاهدان **محکمهٔ تاریخ** در گفتمان مالکیّت تاریخی هستند، بلکه در زمرهٔ اماکن متبرّکه‌ای به شمار می‌روند که **سنگ بنای حافظهٔ جمعی** و **نمادهای هویّت** را شکل می‌دهند (Ассман 2004: 40).

حال بپردازیم به بحث اصلی. در گفتمان «مالکیّت تاریخی» در قفقاز معاصر، هنگام بازخوانی و تفسیر مجدّد داده‌های مندرج در بناهای تاریخیِ مسیحی، به‌ویژه سنگ قبرها و گورنوشته‌ها، از این یادبودهای تاریخی تحتِ‌عنوان **اوّانی** یاد می‌شود و سپس این یادبودهای اوّانی را برای مثال، به جامعهٔ لزگی‌ها منسوب می‌کنند. به موازات این بازخوانی‌های مشکوک، دستنویس‌هایی برساخته و مجعول نیز تدارک دیده شده که با پایه قرار دادن زبان لزگی شروع به بازخوانی و رمزگشایی آنها کرده‌اند (Яралиев Я.А. 1995: 1-196؛ برای دیدن صفحاتی از این دستنویس مجعول، نک. تصویر شمـ ۱.). مثال دیگر، نوشته‌ها و نگاره‌های جعلی است که بنا بر

مدّعا در منطقهٔ **روتول** یافت شده‌اند (نک . تصویر شمـ ۴). البتّه دلیل این امر را باید در این مسئله جستجو کرد که از دورهٔ باستانی اقوام مذکور بر خلاف ارامنه و گرجی‌ها که دارای فرهنگی کهن هستند، به‌جز مساجد و آرامگاه‌های منسوب به اولیاء، آثار سنگی دیگری به یادگار نمانده‌است. در مورد مساجد و آرامگاه‌ها نیز باید توجّه داشت که بناهای مزبور از لحاظ ساختار ویژگی‌های مشابهی دارند و احداث آنها را به تمامی ملّت‌های مسلمان، به‌ویژه ملل صاحب نام می‌توان نسبت داد (تذکّر شفاهی پروفسور گارنیک آساطوریان). البتّه بحثِ دژها یا بناهایی که دارای کتیبه‌هایی به زبان فارسی یا عربی هستند از این مقوله جداست و بر همگان روشن است که این بناها یادگار دوران حکومت ایرانیان هستند.



Страница 1 Страница 2

«تصویر شمارهٔ ۱»

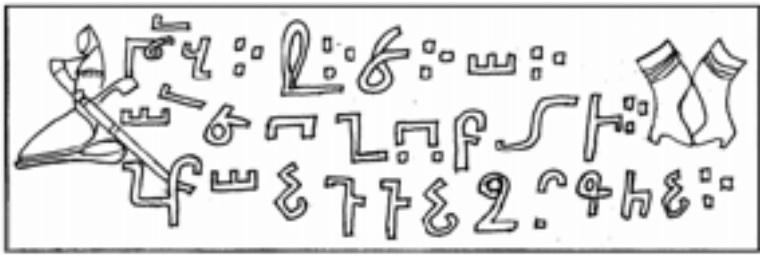
شایان ذکر است که در گفتمان هویّت درون‌قفقازی منتقدانی نیز وجود دارند که از دیدگاه علمی به مسائل می‌نگرند و و در صورت امکان، نظریه‌های ضدّ علمی برخاسته از برخی دلایل ملّی را مورد نقد قرار می‌دهند (برای مثال، نک . Гаджиев/Кузнецов/Чеченов 2006: 1-290). امّا به نظر نمی‌رسد که این گونه انتقادها پدیدهٔ **کشف** این دست نوشته‌های جعلی را تحت تأثیر قرار دهد.

برای مثال، در حدّ جستجوی نگارندگان این مقاله، نخستین نمونهٔ چنین **کشفیاتی** در سال ۱۹۷۶ در مجلهٔ اسقف‌نشین آمریکای شمالی متعلّق به کلیسای حواری ارمنی ثبت شده‌است. گزارشی که مجلهٔ مزبور دربارهٔ یکی از این **اکتشافات** به دست داده، چنین است: «دانشمندان تخته‌ای را که توسّط گروهی از دانش‌آموزان یک مدرسهٔ روستایی در داغستان کشف شده‌است بسیار جالب توجّه می‌دانند؛ بر روی این تخته نشانه‌های عجیب و غریب بسیاری وجود دارد که در واقع جزئی از الفبای **اوّانی** است. تاریخ نگارش این علایم یافت‌شده به قرن پنجم میلادی بازمی‌گردد ...». البتّه نگارندگان هیچ نوشته یا مقاله‌ای مبتنی جعلی بودن این کتیبه نیافتند، ولی باید توجّه داشت که در صورت اصالت این کتیبه قطعاً چنین اکتشافی یک رویداد بزرگ علمی تلقّی می‌شد و بعید بود که در سکوت خبری برگزار شود.

در ادامهٔ مقاله، به بررسی بازخوانی سنگ‌نوشته‌های ارمنی مندرج در یک مقاله می‌پردازیم که در یکی از مجلّات علمی داغستان چاپ شده‌است (نک . Нагиев Ф.Р., 2009: 32-33). این مقاله به بررسی و معرفّی دو کتیبهٔ اوّانی می‌پردازد که به زبان لزگی رمزگشایی شده‌اند! (برای رمزگشایی‌های کتیبه‌های مزبور، نک . تصاویر ۳ و ۴). بر اساس مقالهٔ فوق‌الذّکر، کتیبه‌های مزبور در روستای **امیروان** (ارمنی: Amuravan) در منطقهٔ **کوتکاشن** جمهوری آذربایجان قرار دارند. تصویر کتیبهٔ نخست منتشر نشده‌است، در اینجا فقط خوانش آن را می‌آوریم:

ԹՎ(ԻՆ) ՋԾԱ (1502): Ա(ՍՏՈՒԱ)Ծ ՈՂՈՐՄԻ ՀՐԱՆԴԻՆ ՀՈԳԻՆ

ترجمه: «سال ۱۵۰۲: پروردگار روح هِراند را بیامرزاد».



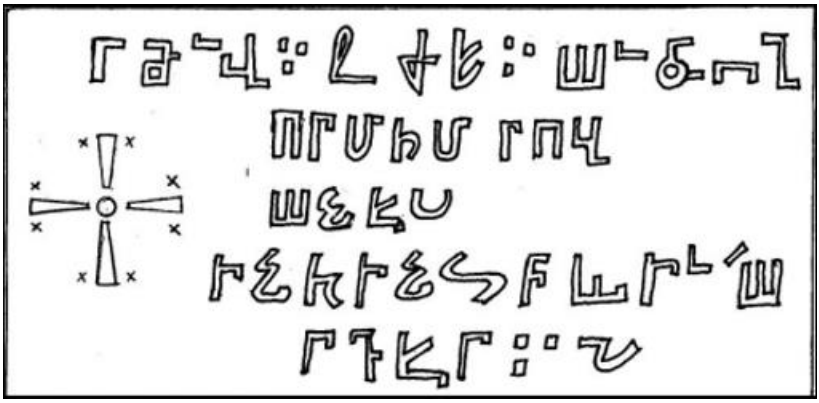
«تصویر شمارهٔ ۲»

تصویر سنگ‌نگارهٔ دوم نیز که به زبان ارمنی است، منتشر شده‌است؛ خوانش به دست داده شده از آن چنین است (Karapetyan 1997: 36):

ԹՎ(ԻՆ) ՁԺԵ (1466): Ա(ՍՏՈՒԱ)Ծ ՈՂՈՐՄԻ Տ(Է)Ր ՈՎԱՆԷՍԻՆ, ԽԻՍՏ ԲԱՐԻ ՄԱՐԴ ԷՐ

ترجمه: «سال ۱۴۴۶: خداوند پدر (=کشیش) اُوانس را بیامرزد؛ انسان بسیار مهربانی بود».

یعنی در واقع نویسندهٔ مقالهٔ مزبور، کتیبه‌هایی را که به‌وضوح به زبان ارمنی نگاشته شده‌اند، بر اساس زبان لزگی رمزگشایی کرده و در یک مجلهٔ علمی منتشر کرده‌است!



«تصویر شمارهٔ ۳»

در مقالهٔ فوق‌الذّکر، موضوع جالب توجّه دیگری نیز وجود دارد و آن یک به‌اصطلاح نگارهٔ کشف‌شدهٔ ارّانی است که گویا در منطقهٔ روتول یافت شده‌است. این نگاره بر روی یک سینی فلزی متعلّق به قرن ۱۷ میلادی حک شده (نک . تصویر شمارهٔ ۴) و در آن حروف الفبای ارّانی بدون هیچ معنی و منطقی پشت سر یکدیگر ردیف شده‌اند:

ž _v_ ś _ k' _?_?_ ś _ čj '_ o_n_?_ š _ p' _dj_lj/ć _cj_ ś _r

با توجّه به اینکه لزگی‌ها، اودی‌ها و روتول‌ها که همگی تحت قومنام لزگی شناخته می‌شوند در واقع از بازماندگان ارّانیان هستند و با در نظر داشتن این واقعیت که اقوام مزبور در معرض

همگونی و آسیمیلاسیون قرار دارند، این گونه راهکارهای غیرعلمی در خدمت احیای حافظهٔ قومی و جلوگیری از روند محو هویت اقوام گوناگون در جمهوری آذربایجان قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد که این اقوام با تأکید بر گذشتهٔ تاریخی خود در مقام بازماندگان سرزمین ارّان و از طرف دیگر، با هدف به رسمیّت نشناختن فرهنگ ارّانی به‌عنوان بخشی از هویت ملّی جمهوری آذربایجان به دنبال اتحّاد جامعهٔ لزگی و روتول حول ایدهٔ **گذشتهٔ باشکوه** و **دیرینه** هستند و از آن به عنوان ابزاری دفاعی برای مقابله با آسیمیلاسیون در جمهوری آذربایجان استفاده می‌کنند.



«تصویر شمارهٔ ۴»

شایان ذکر است که لزگی‌ها و روتول‌ها اقوامی **دوتکّه و تقسیم‌شده** هستند که گروهی از آنها در فدراسیون روسیه و گروهی در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند، بنابراین تصادفی نیست که گفتمان «بازگشت به ارّان کهن» برای نیل به هویت قومی درون قفقازی، بیشتر در فدراسیون روسیه بروز و ظهور دارد؛ زیرا همین گفتمان در جمهوری آذربایجان نیز غالب است و به یک ایدئولوژی رسمی مبدّل شده و درست به همین دلیل، راه را برای جاه‌طلبی اقلیت‌های قومی سد می‌کند.

کتابنامه

Gippert, J./Dum-Tragut, J. (eds.) (2023), *Caucasian Albania, An International Handbook*, , Berlin/Boston.

Gippert, J./et al. (eds.) (2009), *The Caucasian Albanian palimpsests of Mt. Sinai* (2 vols), Turnhout.

Абдурагимов, Г. А. (1995), *Кавказская Албания-Лезгистан: история и современность*, СПб./Махачкала.

Ассман, Я. (2004), *Культурная память: Письмо, память о прошлом и политическая идентичность в высоких культурах древности*, М. М. Сокольской (пер.), Москва.

Гаджиев, М.С./Кузнецов, В.А./Чеченов, И.М. (2006), *История в зеркале паранауки: Критика современной этноцентристской историографии Северного Кавказа*, Москва.

Зерубавель, Я. (2011), *Динамика коллективной памяти // Империя и нация в зеркале исторической памяти*, Москва.

Нагиев Ф. Р. (2009), “Новые Албанские письмена и их дешифровка”, *Известия ДГПУ*, №. 2.

Hayastaneayc‘ ekełec‘i (1976), vol. XXXVIII, №. 3.

Karapetyan, S. (1997), *Bun Alvank‘i hayeren vimagrerə*, girk‘ I, Erevan.

Pseudo-Albanica. Fake Caucasian Albanian "Inscriptions" and "Manuscripts" in the Discourse of Modern Inter-Caucasian Identity Search

Hayk Hakobyan (*Russian-Armenian* (*Slavonic*) *University, Yerevan/Institute of Ethnography and Archeology, Academy of Sciences, Republic of Armenia/ Mesorp Mashtots Institute of Ancient Manuscripts* (*Matenadaran*), *Yerevan*)

Karen Hovhannisyan (*Institute of Ethnography and Archeology, Academy of Sciences, Republic of Armenia, Yerevan*)

Abstract

Modern Republic of Azerbaijan and the Republic of Dagestan were once part of an ancient Caucasian state called Albania (Arm. Ałvank') during different periods. Regarding this fact, the intellectuals of some ethnic groups in the Caucasus try to promote fake Caucasian Albanian identity by creating inscriptions and manuscripts allegedly in the ancient Caucasian Albanian language. This article discusses these writings in the context of the search for inter-Caucasian identity.

Keywords: Caucasian Albania (Arm. Ałvank'), Fake Inscriptions and Manuscripts, Lezgis, Rutuls, Republic of Azerbaijan